

## بررسی تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی

طلیعه خادمیان<sup>۱</sup>

ناصر پور رضا کریم سرا<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۸

### چکیده

اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری و مشارکت میان اعضای جامعه است. در این پژوهش به بررسی تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت پرداخته شده است. بدین منظور پس از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی، چارچوب مفهومی تلفیقی مناسب تنظیم و در قالب فرضیه‌های اصلی مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند. نمونه‌ی آماری تحقیق حاضر ۴۰۲ نفر بوده که با توجه به شاخص توسعه‌یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از میان شهروندان بالای ۱۵ سال مناطق سه (بالا)، هشت (متوسط) و هفده (پایین) شهر تهران با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شده است. تحقیق از نوع پیمایشی بوده و برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون پیرسون استفاده شده، نتایج نشان می‌دهد در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و جهت آن نیز مستقیم بوده و همچنین در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی با مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود داشته و جهت رابطه نیز مستقیم می‌باشد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان از آن دارد که متغیرهای مستقل اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی ۶/۶ واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند.

**واژگان کلیدی:** مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی.

---

۱- استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران شمال T-khademian@iau-tnb.ac.ir

۲- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

#### مقدمه

مشارکت اجتماعی یکی از مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر در عرصه علوم اجتماعی گسترش یافته و توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است تا جایی که نظریه‌پردازان متعددی با دیدگاه‌های متفاوت به آن نگرسته‌اند. نگاهی گذرا به تاریخ نشان از آن دارد که مشارکت شهروندان در هر عرصه جزء لاینفک زندگی آنان بوده و بدون مشارکت زندگی اجتماعی معنا و مفهومی نداشته است. باید به این نکته اساسی توجه داشت که ایجاد اعتماد و به نوعی سرمایه‌ی اجتماعی در هر جامعه‌ای پیش نیاز و پایه‌ای برای جلب مشارکت اجتماعی شهروندان است.

توجه به نقش مشارکت اجتماعی زمینه را برای توانمندسازی، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات شهری و مشکلات ناشی از عدم مشارکت و یا مشارکت محدود در فعالیت‌های شهری در جامعه ایران یک مسأله اساسی در حوزه مدیریت و برنامه ریزی شهری است. مشارکت اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن افراد کار جمعی را تمرین می‌کنند و برای زندگی گروهی آماده می‌شوند.

مشارکت شهروندان در امور گوناگون باعث آگاهی آنان از مشکلات و تنگناها شده و بر این اساس توقعات و انتظاراتشان جنبه عقلانی به خود خواهد گرفت و زمینه وفاق ملی و انسجام اجتماعی را میان شهروندان ایجاد خواهد کرد. امروزه جامعه به مشارکت مردم نیاز دارد، لازمه آن وجود نهادهای مشارکتی است و بستر لازم برای این امر اعتماد اجتماعی شهروندان است در سایه این اعتماد تعاملات اجتماعی ایجاد می‌شود و شهروندان به محیط پیرامون خود احساس تعلق پیدا می‌کنند.

آلن بیرو، در فرهنگ علوم اجتماعی در بحث از مشارکت، آن را چنین تعریف کرده است: «مشارکت به معنای سهمی در چیزی داشتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است.» وی افزوده است که از دیدگاه جامعه شناسی، باید میان مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد، در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد (بیرو، ۱۳۶۳: ۲۷۵).

از پیش شرط‌های مهم در برانگیختن همکاری شهروندان با سازمان‌ها، «اعتماد» است که روتشتاین<sup>۳</sup> و فری<sup>۴</sup> از آن با عنوان «اعتماد متقابل» یاد می‌کنند. اگر شهروندان به سازمان‌ها و مراجع اعتماد داشته باشند. در آن صورت شانس توسعه هنجارهایی که تعاون و همکاری آن‌ها با سازمان‌ها را افزایش خواهد داد، بهتر خواهد بود و بالعکس، اگر سازمان‌ها نیز به شهروندان اعتماد داشته باشند، در آن صورت چندان نیازی به مقررات اجباری نخواهد بود. در واقع، در اینجا نقش هنجارهای اخلاقی در تأثیرگذاری بر تصمیمات شهروندان پررنگ‌تر خواهد بود (تیبات و والکر، ۱۹۷۵: ۶۵).

مشارکت اجتماعی عامل مهمی در تقویت همبستگی در شبکه روابط اجتماعی است و همچنین مشارکت اجتماعی عامل مهمی در جهت تعمیق و گسترش روابط بین اعضای جامعه بوده و احساس یگانگی، تسامح و تساهل را در جامعه افزایش می‌دهد. مشارکت اجتماعی را می‌توان یکی از معیارهای مهم جوامع مردم سالار و دمکراتیک محسوب کرد. مواردی همچون؛ شرکت در مراسم مذهبی، شرکت در مراسم و جشن‌های ملی، کمک به آسیب دیدگان و فقرا، شرکت در کارهای خیر، شرکت در کلوپ‌های ورزشی، شرکت در انجمن‌های علمی و فرهنگی، شرکت در احزاب و گروه‌های سیاسی، شرکت در انتخابات، شرکت در تشکل‌های غیر دولتی را می‌توان از جمله موارد مشارکت اجتماعی به شمار آورد.

در ایران دو شیوه تلقی از مفهوم مشارکت مردم دیده می‌شود. گروهی از پژوهشگران، جامعه ایران را به دلیل شرایط تاریخی خاص، جامعه‌ای غیر مشارکتی ترسیم کرده‌اند و برخی دیگر آنچنان راه افراط پیموده‌اند که نه تنها آن را جامعه‌ای مشارکتی می‌پندارند که بر این باورند در بسیاری از مناطق ایران فعالیت‌های «دگر یاری» و «خود یاری» قابل تمیز نیست، مشارکت در مراسم ازدواج یا عزاداری، با چنان رغبتی صورت می‌گیرد که گاه صاحب اصلی مراسم را نمی‌توان باز شناخت. اما آیا می‌توان بر کمک‌های متقابل و هم یاری‌های خانوادگی و خویشاوندی، نام مشارکت نهاد؟ آیا مردمی که در بحران‌های قومی یا در مراسم شادی شبکه‌های خویشاوندی با چنین مشارکتی عمل می‌کنند، در صحنه‌های اجتماعی نیز چنین هستند؟

---

<sup>۳</sup>- Rothstein

<sup>۴</sup>- Fery

آگاهی و شناخت تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی و تقویت آن، زمینه مناسبی را برای ایجاد ارتباط صحیح و منطقی بین شهروندان و مسؤولان ایجاد می‌کند و مسؤولان و مدیران می‌توانند از پتانسیل بالقوه، ایده‌ها و خلاقیت شهروندان برای اداره و توسعه شهرها استفاده کنند. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریات صاحب نظران عرصه جامعه‌شناسی در زمینه مشارکت شهروندان به دنبال آن است که با شناخت تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی در صورت امکان راهکار مناسبی برای مشارکت شهروندان ارائه دهد.

### پیشینه تحقیق

قدیمی‌ترین مفاهیم مشارکت را می‌توان در مفهوم جامعه مدنی یونان باستان و در ارتباط با پیدایش دموکراسی مشارکتی یافت همچنین این مفهوم در زمینه رنسانس و شکل‌گیری اندیشه مشارکت‌پذیری یافت می‌شود. از سوی دیگر رد پای مشارکت را در اندیشه سیاسی ماکیاوولی می‌توان جستجو کرد. این مفهوم در اندیشه جان لاک و هابز در طرح نیاز به برقراری آزادی فرد، کفایت قدرت دولت به منظور تضمین نظام اجتماعی و سیاسی هموارکننده راه برای سنت حکومت مردمی و مبتنی بر نمایندگی بود. از منظر لاک، این عضویت اجتماعی و سیاسی مسئولیت و حقوق، قدرت و طبقه، محدودیت و آزادی را به افراد هدیه می‌کند. از نظر او شهروند هم پدیدآورنده حکم نهایی اراده عمومی و هم اجراکننده و مقید به چارچوب آن است. مشارکت در اندیشه ژان ژاک روسو در معنای شهروندی و نقش آن مقدمه‌ای بر انقلاب فرانسه و طرح حقوق بشر در مسائل سیاسی بود از نظر میل هم مشارکت در امور اجتماعی سبب از بین رفتن انفعال می‌گردد (ضحاک، ۱۳۷۵: ۴۵-۴۳).

از سوی دیگر تاریخچه مشارکت شهروندان به عنوان نهضتی با هویت و سازمان یافته، به تجربه نوسازی شهری در آمریکا باز می‌گردد. نوسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهری به دلیل جابجایی کردن مردم و از هم گسیختن روابط خانوادگی و همسایگی، تأثیر اجتماعی عمیقی بر ساکنان کم درآمد محدوددهی طرح‌های نوسازی گذاشت. این مشارکت ابتدا در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت مردم تصویب شد که ماهیت فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری را تغییر داد. اما مفهوم مشارکت در نیمه دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح

شد و پس از آن کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند. امروزه در اکثر کشورها مشارکت شهروندان جزو جدایی ناپذیر فرایند برنامه‌ریزی شهری است (هوئی‌زن، ۱۳۷۷: ۹۶). مفهوم «مشارکت» و «توسعه مشارکتی» به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی مطرح شد. در آن زمان دو مشکل اساسی در طرح‌های توسعه، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را به ارزیابی مجدد و بازنگری این قبیل برنامه‌ها واداشت. شکست این قبیل برنامه‌ها در دستیابی به اهداف خود، این تصور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها، زمینه ناکامی آن‌ها را فراهم کرده است. از سوی دیگر، طرح‌های توسعه بیش از آن که در خدمت فقرا و محرومان - که گروه‌های هدف محسوب می‌شدند - باشد، به تشدید نابرابری و فقر دامن زد (رهنما، ۱۳۷۷: ۲۴).

از لحاظ نظری دیدگاه‌های مختلف در خصوص چگونگی مشارکت ایرانیان وجود دارد که از میان آن‌ها به دو دیدگاه اساسی اشاره می‌کنیم.

۱- در دیدگاه نخست، ایرانیان اساساً فردگرا و غیر مشارکتی معرفی شده‌اند. صاحب نظران این دیدگاه بر این باورند که ایرانیان به واسطه‌ی ساخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارای روحیه فردگرایی و قبیله‌گرایی بوده و اکثر مردم اعتقادی به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و امور اجتماعی نداشته‌اند. بر اساس این دیدگاه ماهیت دولت چه از لحاظ نظام حاکم و چه از لحاظ مشروعیت با دولت‌های اروپایی متفاوت است و جامعه را نمایندگی نمی‌کند. اساساً دولت در جامعه اروپایی رشد و تحول یافته و هر شکل از آن، کم و بیش دارای یک پایگاه اجتماعی است و به همان نسبت از مشروعیت سیاسی برخوردار است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۵۲-۴۸). به علاوه طی قرون متمادی، تمرکز حکومت و سلطه آن سبب شده است تشکل‌های صنفی و سیاسی در ایران شکل نگیرند و بنابراین مشارکت چه در معنای سیاسی و چه اجتماعی در جامعه جایگاهی نداشته باشد (پیروز، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

۲- در دیدگاه دوم، روحیه ایرانی و شخصیت اساسی ایرانیان، روحیه و شخصیت جمع‌گرا معرفی شده است. در این دیدگاه میل به مشارکت و انجام کار گروهی یکی از الگوهای فرهنگی غالب در فرهنگ جامعه ایران بیان شده است. این دیدگاه تاریخ اجتماعی کشور ما را تاریخ مشارکت و فعالیت جمعی

دانسته و معتقد است که اصناف و مؤسسه‌ها و نهادهای اجتماعی به صورت خود جوش، غیر دولتی و داوطلبانه فعالیت داشته‌اند.

### مبانی نظری

با توجه به نظریه‌های مختلف در حوزه سرمایه‌ی اجتماعی، می‌توان گفت اعتماد و مشارکت اجتماعی در جایگاه خود ارتباط دو طرفه و متقابل دارند، به گونه‌ای که بقا و تداوم هر یک در گرو بقا و تداوم دیگری است؛ اگر اعتماد در میان نباشد، احتمالاً مشارکت داوطلبانه مد نظر در ادبیات توسعه، جلب نخواهد شد و بالعکس، اگر مشارکت زمینه ظهور نیابد خود به خود، پتانسیل و توانایی اعتماد و روحیه اعتماد کردن به وجود نخواهد آمد. از طرفی، دیدگاه دیگری حاکی است که اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در موقعیت‌های مختلف به چهار صورت می‌توانند با یکدیگر در ارتباط قرار گیرند. در واقع انواع مختلف رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی، کیفیت و کمیت سرمایه‌ی اجتماعی درون جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

زئومکا که در میان جامعه‌شناسان معاصر مبحث اعتماد اجتماعی را مورد عنایت ویژه قرار داده؛ معتقد است که توجه به اعتماد اجتماعی ایده جدیدی نیست، بلکه یک جریان چند قرنی است. به نظر او برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آینده نگری؛ شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، زیاد بودن نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی، غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی شاهد رشد نوعی جهت‌گیری فرهنگ گرایانه که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت به مفاهیم نرم را دارد. چنین چرخشی زمینه توجه عمیق‌تر به مفاهیم اعتماد را به دنبال داشته است و در طی دو دهه‌ی گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط به اعتماد در مفاهیم علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی هستیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

همچنین گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد، بنیادی، متقابل و انتزاعی نام می‌برد که در بخش‌های بعد مورد توجه واقع خواهد شد.

## اعتماد بنیادین<sup>۵</sup>

بر اساس نظر گیدنز اعتماد بنیادین به طرز ریشه‌ای با شکل‌گیری مفاهیم زمان و مکان بین اشخاص مختلف ارتباط دارد، اعتماد بنیادین تحت تأثیر توجهات محبت‌آمیز نخستین مراقبان و سرپرستان کودک شکل می‌گیرد، رفته رفته هویت شخصی را به طرز سرنوشت‌ساز به مهربانی‌ها و خوشامد‌های دیگران وابسته می‌سازد. این وابستگی به نخستین مراقبان و سرپرستان که حاصل اعتماد بنیادین است و در واقع نوعی اجتماعی شدن ناخودآگاه است. بر اساس نظر گیدنز اعتماد بنیادین، در ارتباط با خطرهای احتمالی یا واقعی ناشی از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل، همچون غربال عمل می‌کند و به طور کلی پشت بند عاطفی نوعی پوسته‌ی محافظ است که همه افراد عادی در جریان رویارویی با مسائل زندگی روزمره خود را در پناه آن قرار می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۴).

اعتماد بنیادین شرط اساسی، تدارک هویت شخصی، هویت دیگر اشخاص و اشیاء است. زیرا فراگیری مختصات اشخاص و اشیای غایب پذیرش دنیای واقعی به عنوان واقعیت - وابسته به همان امنیت عاطفی است که اعتماد بنیادین فراهم می‌آورد. احساس گم‌گشتگی یا عدم واقعیت که گاه در زندگی بعضی افراد لانه می‌کند و معمولاً ناشی از توسعه ناکافی اعتماد بنیادین در زمان کودکی آن‌ها است، صورت‌های گوناگون به خود می‌گیرد این‌گونه افراد ممکن است دچار این توهم شوند که دنیای عینی، یا دیگر مردم، فقط موجودیتی سایه‌وار دارند، یا اصولاً قادر نباشند مفهوم روشنی از تداوم هویت شخصی را در ذهن خود نگاه دارند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۸).

گیدنز، بر این باور است که اعتماد بنیادین برای ایجاد ارتباط بین زندگی روزمره و ظواهر عادی فرد اهمیت اساسی دارد. در موقعیت‌های گوناگون زندگی روزانه، اعتماد بنیادی همچون وسیله‌ای عمل می‌کند که رویدادها یا موضوع‌های خطر آفرین را از صحنه می‌راند. از نظر وی آنچه دیگران به ظاهر انجام می‌دهند و هر کسی که به ظاهر هستند، بر اثر اعتماد بنیادی مورد پذیرش ما قرار می‌گیرند و ما چنان رفتار می‌کنیم که گویی آن دیگران همان کاری را انجام می‌دهند که به ظاهر می‌بینیم و همان کسی هستند که می‌نمایند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

---

<sup>5</sup> -Basic trust

### اعتماد متقابل بین شخصی<sup>۶</sup>

از دیدگاه گیدنز، اعتماد در نظام‌های ما قبل مدرنیته، متأخر از نوع پای بندی‌های چهره دار و مبتنی بر هم حضوری است، حال آن که در مدرنیته متأخر اعتماد غیرشخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر «بی توجهی مدنی» جنبه بنیادی روابط اعتماد بین افرادی است که از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاعی ریشه یافته‌اند. در عین حال وجه عمده اعتماد پای بندی‌های بی چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد و این مسأله اساساً چندان از اهمیت برخوردار است که ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۹۹).

در محیط‌های پیش از مدرن، اعتماد بنیادی در روابط شخصی و پیوندهای خانوادگی و دوستی‌ها جای دارد. گرچه هر یک از این بستگی‌های اجتماعی می‌تواند دربرگیرنده صمیمیت عاطفی باشد اما این صمیمیت شرط بقای اعتماد شخصی نیست. پیوندهای شخصی نهادمند و اصول غیررسمی اخلاص و شرافت، (بالقوه و نه همیشه به گونه‌ای بالفعل) چارچوب‌های اعتماد را فراهم می‌سازند. بر عکس، اعتماد به دیگران، در یک سطح شخصی، وسیله عمده‌ای است که از طریق آن روابط اجتماعی فاصله‌داری که حتی تا «سرزمین‌های دشمن» نیز کشیده می‌شوند، برقرار می‌گردد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۴۲).

گیدنز بر این باور است که در دوره مدرن، اعتماد به اشخاص، متکی بر پیوندهای شخصی در چارچوب اجتماعی محلی و شبکه‌های خانوادگی نیست. اعتماد در یک سطح شخصی، تبدیل به طرحی می‌شود که طرفین باید روی آن «کار کنند» و مستلزم باز بودن فرد به روی دیگران است. در اینجا که اعتماد را نمی‌توان با اصول ثابت هنجار بخش در اختیار داشت، آن را باید جلب کرد و وسیله این کار نشان دادن محبت و سعه صدر است. علاقه‌ی خاص ما به داشتن «روابط» به همان معنایی که امروزه مورد نظر است، بیانگر همین پدیده است. این روابط همان پیوندهای مبتنی بر اعتمادند، جایی که اعتماد امری از پیش تعیین شده نیست بلکه باید روی آن کار کرد و این کار به معنای فرا گرد

---

<sup>۶</sup> -interpersonal trust

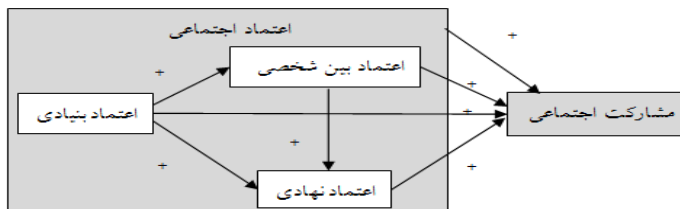


متقابل خود واگشایی است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۴). وی اعتماد شخصی را با اعتماد بنیادی مرتبط می‌شمرد. به نظر وی اعتماد بنیادی در وهله اول به تشخیص هویت خود و محیط پیرامون وابسته نیست بلکه از اعتماد شخصی و نیاز به اعتماد دیگران سرچشمه می‌گیرد که بی‌گمان به صورت‌های گوناگون در سراسر زندگی فرد تداوم می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

### اعتماد انتزاعی در دیدگاه گیدنز

به عقیده گیدنز، بر اثر توسعه نظام‌های انتزاعی، اعتماد به اصول غیرشخصی و نیز اعتماد به دیگران ناشناس، برای زندگی اجتماعی گریز ناپذیر می‌شود. این نوع اعتماد غیرشخصی با اعتماد بنیادی تفاوت دارد. در اینجا نیز نیاز روانی نیرومندی به یافتن دیگران قابل اعتماد وجود دارد، ولی به نسبت موقعیت‌های اجتماعی پیش از مدرن، پیوندهای شخصی نهادمند چندان وجود ندارند. در اینجا قضیه در اصل این نیست که بسیاری از ویژگی‌های اجتماعی که پیش از این دوره بخشی از زندگی روزانه یا «جهان حیاتی» را می‌ساختند، از رده خارج شده و در نظام‌های انتزاعی عجین گشته‌اند. بلکه بر عکس بافت و صورت زندگی روزانه به همراه دگرگونی‌های اجتماع گسترده‌تر، شکل تازه‌ای پیدا کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۴۳). در عین حال وجه عمده اعتماد پای بندی‌های بی‌چهره‌ای است که عمدتاً در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد و این مسأله اساساً چندان از اهمیت برخوردار است که ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانسیم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی است (همان: ۹۹).

## مدل نظری تحقیق



شکل شماره ۱-مدل نظری تحقیق

## فرضیه های تحقیق

- ۱- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد اجتماعی (بین شخصی، بنیادی و نهادی) رابطه دارد به طوری که می توان گفت هر چه میزان اعتماد اجتماعی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.
- ۲- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد بین شخصی رابطه دارد به طوری که می توان گفت هر چه میزان اعتماد بین شخصی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.
- ۳- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد بنیادی رابطه دارد به طوری که می توان گفت هر چه میزان اعتماد بنیادی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.
- ۴- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد نهادی رابطه دارد به طوری که می توان گفت هر چه میزان اعتماد نهادی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.
- ۵- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد به نهادی شهرداری رابطه دارد به طوری که می توان گفت هر چه میزان اعتماد به نهاد شهرداری بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.

### تعریف مفاهیم و متغیرها

پس از آنکه ما مفاهیم مورد نظر خود را انتخاب نمودیم، باید این مفاهیم را از جهت نظری و هم عملیاتی تعریف کنیم. منظور از تعریف نظری که آن را تعریف مفهومی<sup>۷</sup> نیز می‌نامیم، معنایی را که به مفهوم نسبت می‌دهیم به ما می‌رساند. تعاریف نظری به مانند تعاریف «لغت‌نامه‌ای» بوده و شاخص‌ها همچون نشانه‌ها و گویه‌هایی در نظریه گرفته می‌شوند. تعریف عملیاتی در تحقیقات پیمایشی همان متن پرسش و پاسخ‌های احتمالی مربوط به آن می‌باشد (شومیکر، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۵). در این پژوهش برخی مفاهیم و متغیرها وجود دارند که می‌توان به تعریف آن‌ها پرداخت. تعریف مفاهیم شامل تعریف نظری و تعریف عملیاتی آن‌ها است.

### مشارکت

**تعریف مفهومی:** اندیشمندان و متفکران تعاریف گوناگونی از مشارکت اجتماعی ارائه نموده‌اند که در سطور زیر به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

آرپی؛ میسرا متفکر هندی عقیده دارد، مشارکت تلاشی سازمان یافته است، به منظور افزایش کنترل منابع و مؤسسه‌های عمومی در یک وضع اجتماعی خاص از طرف گروه‌ها و افرادی که تاکنون از چنین کنترلی محروم بوده‌اند (نمازی، ۱۳۸۳: ۸۲). مک لگان<sup>۸</sup> مشارکت را نظام اداره کردنی می‌داند که ایجاب می‌کند تا همه عناصر یک سازمان دوباره در جهتی مشترک طراحی شوند (مک لگان و کریستو، ۱۳۷۷: ۱۰). دیویس<sup>۹</sup> و نیواستورم نیز در تعریف مشارکت بیان می‌کنند «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دست یابی به هدف‌های گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (دیویس و نیواستورم، ۱۳۷۰: ۲۹۱)».

همان طوری که در تعاریف فوق از نظر دیدگاه‌های مختلف مطرح شد، در کلیه تعاریف «مشارکت» چهار عنصر «آزادی» (مشارکت و انتخاب داوطلبانه)، «تصمیم‌گیری» (مؤثر بودن در اتخاذ تصمیم

---

7 - conceptual definitions

8 - Mack Legan

9 - Davis and New storm

سازمان‌های مشارکتی) و «رضایت» (حسن انجام امور و برخورداری از ثمرات همکاری) قابل ملاحظه و تشخیص است.

**تعریف عملیاتی:** مشارکت اجتماعی شامل میزان همکاری فرد با نهادهای همچون مسجدها، انجمن‌ها و کانون‌های علمی، هنری، ادبی و خیریه و ... می‌باشد.

### اعتماد اجتماعی

تعریف مفهومی: اعتماد به عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه‌ی اجتماعی ساز و کاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی، تسهیل مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه است، آن موجب پیوند شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می‌شود و مؤثر در تقویت، ارتقاء اثر بخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی است (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰). جانسون اعتماد اجتماعی را «ایجاد ارتباط با دیگری و درخواست پذیرش و حمایت آشکار از دیگران، خود تکمیلی در روابط و انطباق با انتظارات دیگران» می‌داند. جانسون عناصر تشکیل دهنده اعتماد را صراحت و باز بودن، سهیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جویا نه و رفتار مبتنی بر اعتماد می‌داند، اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۸).

**تعریف عملیاتی:** اعتماد اجتماعی در چارچوب مفهومی این مطالعه از طریق حاصل جمع سه شکل اعتماد بنیادی، بین شخصی و نهادی مورد سنجش قرار گرفته است و پس از هم وزن سازی گویه‌های مربوط به سه شکل اعتماد نمره اعتماد اجتماعی محاسبه خواهد شد.

### اعتماد بنیادی

**تعریف مفهومی:** این نوع از اعتماد به نگرش فرد نسبت به خود و دنیای اطرافش و ارتباط او با دنیای پیرامون مربوط می‌شود و اعمال ما از آن متأثر می‌شود و موجب تقویت تفکری می‌گردد که افراد و

امور جهان قابل اعتماد هستند. در اعتبار بنیادی ریشه‌ی اعتماد در اطمینان به اشخاص صالح و معتبر می‌داند که از نخستین تجربیات دوران کودکی حاصل می‌شود. **تعریف عملیاتی:** منظور از این متغیر باور و خوش‌بینی به خود و دیگران و اطمینان به استمرار زندگی و روی ندادن حوادث یا برخوردهای نامناسب و غیرمنتظره است.

### اعتماد بین شخصی

**تعریف مفهومی:** اعتماد بین شخصی در روابط چهره به چهره، خود را نشان می‌دهد. این شکل از ارتباط موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، باعث مؤثرتر شدن تعاملات می‌گردد. به عبارتی اعتماد بین شخصی حوزه‌ای از تعاملات میان دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رییس و کارمندان، معلم و شاگرد و غیره را در بر می‌گیرد. همچنین نوع تعاملات در اعتماد بین شخصی برخلاف اعتماد بنیادی دو طرفه است. در این رابطه اجتماعی کنش و کنش متقابل اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند

**تعریف عملیاتی:** منظور از اعتماد بین شخصی باور به امین بودن افراد و احساس صمیمیت و نزدیکی خاطر با آنان است.

### اعتماد نهادی

**تعریف مفهومی:** افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها دارای باورهایی باشند. این نوع اعتماد به صورت تعمیم یافته فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد.

**تعریف عملیاتی:** منظور از اعتماد نهادی، اعتقاد به کار آیی، ثبات و استمرار برنامه‌ریزی در آن‌ها است. در چارچوب مفهومی این مطالعه اعتماد نهادی در سه شکل کلی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

### روش تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

شناخت پدیده‌های اجتماعی نیازمند اتخاذ روش تحقیق مناسب است تا با به کار گرفتن مجموعه‌ای از قواعد روشمند و رعایت منظم مراحل، بتوان به کسب یافته‌هایی علمی نائل آمد. انتخاب هر یک از روش‌های پیمایش، آزمایش و مثل این‌ها در هر مطالعه‌ای و برای سنجش پدیده‌های اجتماعی به عوامل متعدد از جمله ماهیت موضوع، زمان و هزینه تحقیق بستگی دارد. پژوهش حاضر به روش پیمایش<sup>۱۰</sup> و از نوع تبیینی است و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات پرسشنامه و نحوه‌ی تکمیل آن مصاحبه حضوری بوده است. هر چند در مرحله نخست، از روش‌های مصاحبه و مطالعات اکتشافی بهره گرفته شد است.

### جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد البته در نهایت با توجه به احتمال عدم پاسخگویی این تعداد را به ۴۰۲ نفر افزایش دادیم. ابتدا مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را بر اساس شاخص توسعه‌یافتگی به سه خوشه شمال، مرکز و جنوب تقسیم گردید (رفیعی، ۱۳۸۲، به نقل از فیروزآبادی، ۱۳۸۴). سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی یک منطقه از شمال شهر تهران (منطقه سه)، یک منطقه از مرکز شهر تهران (منطقه هشت) و یک منطقه از جنوب شهر تهران (منطقه هفده) انتخاب شدند و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و نامتناسب با حجم (تعداد افراد ساکن در هر طبقه حجم هر یک از طبقات محسوب می‌شود) تعداد نمونه هر منطقه مشخص گردیده است. در مرحله بعد به تصادف سه محله از محلات منطقه انتخاب و در داخل محله به تصادف بلوکی برای مصاحبه انتخاب گردید و سپس در داخل بلوک‌ها، پاسخگویان به روش نمونه‌گیری سیستماتیک با در نظر گرفتن ترکیب سنی و جنسی انتخاب و با آنان مصاحبه صورت گرفته است.

### یافته‌های توصیفی

نتایج نشان دهنده آن است که مشارکت اجتماعی  $93/8$  درصد پاسخگویان در حد خیلی کم و کم،  $5/2$  درصد بینابین و در مقابل مشارکت اجتماعی  $9/9$  درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. یافته‌ها بیانگر آن است که اعتماد بین شخصی  $35/1$  درصد پاسخگویان در حد خیلی کم و کم،  $37/3$  درصد بینابین و در مقابل اعتماد بین شخصی  $27/6$  درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد.

نتایج نشان دهنده آن است که  $13.2$  درصد پاسخگویان اعتماد بنیادی در حد خیلی کم و کم،  $26.9$  درصد بینابین و در مقابل  $59.9$  درصد پاسخگویان اعتماد بنیادی در حد زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند. همان طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود  $32/1$  درصد پاسخگویان اعتماد نهادی در حد خیلی کم و کم،  $35/3$  درصد بینابین و در مقابل  $32/6$  درصد پاسخگویان اعتماد نهادی در حد زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند.

اعتماد اجتماعی از حاصل جمع نظرات پاسخگویان درباره شاخص‌های اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی می‌باشد که به صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان دهنده آن است که اعتماد اجتماعی  $22/3$  درصد پاسخگویان در حد خیلی کم و کم،  $48$  درصد بینابین و در مقابل اعتماد اجتماعی  $29/6$  درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی تحقیق

شرح	خیلی کم	کم	بینابین	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین از ۵ تا ۱
مشارکت اجتماعی	فراوانی	۲۶۳	۱۱۴	۲۱	۳	۴۰۲	۱/۴۲
	درصد	۶۵/۴	۲۸/۴	۵/۲	۰/۷	۰/۲	۴۰۲
اعتماد بین شخصی	فراوانی	۳۰	۱۱۱	۱۵۰	۹۴	۱۷	۴۰۲
	درصد	۷/۵	۲۷/۶	۳۷/۳	۲۳/۴	۴/۲	۱۰۰
اعتماد بنیادی	فراوانی	۴	۴۹	۱۰۸	۱۵۰	۹۱	۴۰۲
	درصد	۱/۰	۱۲/۲	۲۶/۹	۳۷/۳	۲۲/۶	۱۰۰
اعتماد نهادی	فراوانی	۵۱	۷۸	۱۴۲	۱۱۱	۲۰	۴۰۲
	درصد	۱۲/۷	۱۹/۴	۳۵/۳	۲۷/۶	۵/۰	۱۰۰
اعتماد اجتماعی	فراوانی	۹	۸۱	۱۹۳	۱۱۲	۷	۴۰۲
	درصد	۲/۲	۲۰/۱	۴۸/۰	۲۷/۹	۱/۷	۱۰۰

### یافته های تبیینی

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۹ درصد، سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰) می شود یعنی با اطلاعات موجود H0 رد و H1 (فرض محقق) تأیید می گردد به بیان دیگر بین اعتماد اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۲۷۷، اعتماد بین شخصی با ضریب همبستگی ۰/۱۷۶، اعتماد بنیادی با ضریب همبستگی ۰/۱۹۹ و اعتماد نهادی با ضریب همبستگی ۰/۲۴۹ با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری داشته و شدت این رابطه در حد بالا بوده و جهت این رابطه مستقیم می باشد یعنی با افزایش هر کدام از متغیرهای اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی در این پژوهش مشارکت اجتماعی افزایش می یابد.

جدول ۲- یافته های تبیینی

مشارکت اجتماعی		متغیر وابسته
		متغیر مستقل
سطح معناداری	(۳ همبستگی پیرسون)	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۷۷	اعتماد بین شخصی
۰/۰۰۰	۰/۱۷۶	اعتماد بنیادی
۰/۰۰۰	۰/۱۹۹	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۰/۲۴۹	

### تحلیل رگرسیون

همچنان که ملاحظه شد، در قسمت های قبل رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته به صورت دو به دو مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در این میان برخی از فرضیه های تحقیق تأیید و برخی دیگر رد شدند. در این قسمت به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، به تحلیل رگرسیون داده ها پرداخته می شود. «تحلیل رگرسیون، ارتباط تنگاتنگی با ضریب همبستگی داشته و عموماً به طور همزمان در مطالعات، مورد استفاده قرار می گیرد. تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می آورد تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (کلاتری ۱۳۸۲: ۱۶۹)».

به منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چند متغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی، ابتدا باید متغیرهایی که قرار است وارد معادله رگرسیونی شوند، مشخص نمود. به همین جهت تمامی متغیرهای مستقل به



روش<sup>۱۱</sup> انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله‌ی نهایی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۳- تحلیل رگرسیون چند متغیره

Sig	T	Beta	B	Sig	F	R <sup>2</sup>	R	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۵/۷۶۸	۰/۲۷۷	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	۳۳/۲۷۰	۰/۰۷۷	۰/۲۷۷	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی
۰/۰۱۴	۲/۴۵۶	۰/۱۲۷	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰	۱۶/۳۹۷	۰/۰۷۶	۰/۲۷۶	اعتماد بنیادی	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۳/۹۵۵	۰/۲۰۴	۰/۱۱۶	۰/۰۰۰	۴۷/۳۹۲	۰/۱۹۲	۰/۴۳۸	اعتماد نهادی	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۵/۹۹۵	۰/۲۸۲	۰/۵۳۴	۰/۰۰۰	۳۵/۵۷۹	۰/۰۸۲	۰/۲۸۶	اعتماد بنیادی	اعتماد بنیادی
۰/۰۰۰	۵/۶۳۷	۰/۲۶۵	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰				اعتماد بین شخصی	
۰/۰۰۰	۵/۹۶۵	۰/۲۸۶	۰/۱۲۶	۰/۰۰۰				اعتماد بین شخصی	

در مرحله اول، متغیر مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اعتماد اجتماعی که حاصل جمع اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی می‌باشد به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چند گانه  $R^2 = 0.277$ ،  $M.R = 0.7$  و ضریب تعیین، برابر با  $R^2 = 0.077$  می‌باشد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی ۷/۷ درصد واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. با توجه به نتایج تحلیل واریانس مقدار  $F = 33/270$  در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معنا داری ( $sig = 0.000$ ) نشان می‌دهد مدل توانایی پیش‌بینی تغییر وابسته (مشارکت اجتماعی) را دارد.

برای آنکه بدانیم هر یک از ابعاد اعتماد اجتماعی (اعتماد بینا دی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) چه رابطه‌ای با مشارکت اجتماعی دارند متغیر مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چند گانه<sup>۱۱</sup>  $M.R = 0.276$  و ضریب تعیین<sup>۱۳</sup>، برابر با  $R^2 = 0.076$  می‌باشد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی ۷/۶ واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. با توجه به نتایج تحلیل

<sup>۱۱</sup> - stepwise

12- Multiple Correlation R

13- R Square

واریانس مقدار  $F=۱۶/۳۹۷$  در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معنا داری ( $sig=۰/۰۰۰$ ) نشان می‌دهد مدل توانایی پیش بینی متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را دارد. همچنان چه مشاهده می‌شود، متغیر اعتماد بین شخصی از معادله خارج شده‌اند زیرا متغیر اعتماد بین شخصی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی همبستگی داشته اما در اینجا چون به رابطه علی می‌پردازیم، نشان می‌دهد که بر روی متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر علی ندارند و به این ترتیب از معادله رگرسیون خارج شده است.

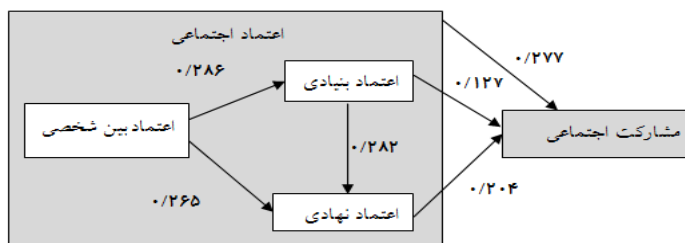
با توجه به اینکه اعتماد نهادی با  $۰/۲۰۴$  بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد در مرحله بعد اعتماد نهادی به عنوان متغیر وابسته وارد معادله شده و تأثیر اعتماد بین شخصی و بنیادی بر آن مورد سنجش قرار می‌گیرد. همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چند گانه  $M.R= ۰/۴۳۸$  و ضریب تعیین، برابر با  $R^2=۰/۱۹۲$  می‌باشد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که اعتماد بین شخصی و اعتماد بنیادی  $۱۹/۲$  درصد واریانس اعتماد نهادی را تبیین می‌کند. با توجه به نتایج تحلیل واریانس مقدار  $F=۴۷/۳۹۲$  در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معنا داری ( $sig=۰/۰۰۰$ ) نشان می‌دهد مدل توانایی پیش بینی تغییر وابسته (اعتماد نهادی) را دارد.

با توجه به اینکه اعتماد بنیادی با  $۰/۲۸۲$  بیشترین تأثیر را بر اعتماد نهادی دارد. در مرحله بعد اعتماد بنیادی به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون می‌شود. همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب تعیین، برابر با  $R^2 = ۰/۰۸۲$  می‌باشد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل اعتماد بین شخصی  $۸/۲$  درصد واریانس اعتماد بنیادی را تبیین می‌کند. با توجه به نتایج تحلیل واریانس مقدار  $F=۳۵/۵۷۹$  در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری ( $sig=۰/۰۰۰$ ) نشان می‌دهد مدل توانایی پیش بینی تغییر وابسته (اعتماد نهادی) را دارد.

### تحلیل مسیر

یکی از روش‌های تحلیل داده‌های آماری، تحلیل مسیر است که با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام می‌گیرد. این روش برای بررسی و آزمون مدل علی که از درون مبانی نظری بیرون آمده به کار گرفته می‌شود و مستلزم تنظیم مدل به صورت علی است و در واقع علیت را نشان می‌دهد.

در تحلیل مسیر به تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌پردازیم و تکنیک‌های چند متغیره استفاده می‌کنیم که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیر مستقیم این متغیرها را نیز مد نظر قرار می‌دهند و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کنند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۲۳). تکنیک تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چند گانه و بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها با تغییر وابسته استوار است. در تحلیل مسیر، روابط بین متغیرهای درونی از طریق ضرایب بتا بیان می‌شود و روابط بین متغیرهای بیرونی به وسیله ضریب همبستگی نشان داده می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۲۵).



شکل شماره ۲- نتایج تحلیل مسیر

در این قسمت، با محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر مشارکت اجتماعی دارند مورد محاسبه قرار می‌گیرد. ضمناً برای محاسبه اثرات غیر مستقیم هر متغیر مستقل، ضرایب مسیرهای منتهی به متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) در یکدیگر ضرب می‌شود و اثرات غیر مستقیم مسیرهای متعدد آن متغیر با یکدیگر جمع شده و مجموعاً اثر غیر مستقیم متغیر مستقل مذکور بر متغیر وابسته را تشکیل می‌دهد.

جدول ۴- برآورد میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت اجتماعی

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	جمع تأثیر بر مشارکت اجتماعی
اعتماد نهادی	۰/۲۰۴	-	۰/۲۰۴
اعتماد بنیادی	۰/۱۲۷	۰/۲۸۶*۰/۲۰۴	۰/۱۸۴
اعتماد بین شخصی	-	۰/۲۸۶*۰/۱۲۷+۰/۲۶۵*۰/۲۰۴ +۰/۲۸۶*۰/۲۸۲*۰/۲۰۴	۰/۱۰۶
اعتماد اجتماعی	۰/۲۷۷	-	۰/۲۷۷

بر اساس داده‌های جدول در بین ابعاد اعتماد اجتماعی؛ اعتماد نهادی بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد.

### نتیجه گیری

مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی هر دو شاخص‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی نیز از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح شده است که نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای سیاسی و اقتصادی است. مشارکت اجتماعی عامل اصلی توسعه و ساماندهی نظم اجتماعی است. بنابراین بدون مشارکت اجتماعی شهروندان یک کشور نظم اجتماعی و توسعه درون‌زای همه جانبه و پایدار تحقق نخواهد یافت (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). در این میان، اعتماد، یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری و مشارکت میان اعضای جامعه است.

نتایج نشان دهنده‌ی آن است که مشارکت اجتماعی پاسخگویان در وضعیت نامناسب قرار دارد. بالاترین میانگین ۱/۷۲ از ۴ مربوط به «کانون‌ها یا انجمن‌های خیریه» بوده است. نتایج نشان می‌دهد شهروندان در فعالیت‌هایی که جنبه مردمی دارد مانند امور مساجد و هیأت‌های مذهبی نسبت به اموری که بیشتر جنبه دولتی دارد فعالیت و همکاری بیشتری دارند. این امر در جای خود نشان دهنده پایگاه همچنان قوی و تأثیرگذار انجمن‌ها و نهادهای مذهبی در جامعه شهری ایران و شهری مانند تهران است. در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی مشارکت اجتماعی مردم در سطح بالایی بود و انگیزه مردم برای حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی و همیاری و تعاون قابل ملاحظه بود، اما پس از جنگ این مشارکت در قالب نهادهای مدنی سازمان یافته تداوم نیافت.

به منظور سنجش اعتماد اجتماعی پاسخگویان، با پرسش‌های گوناگون سه بعد «اعتماد بین شخصی»، «اعتماد بنیادی» و «اعتماد نهادی» مورد بررسی قرار گرفته شد. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی تنها ۲۹/۶ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد.

نتایج در خصوص اعتماد بین شخصی نشان می‌دهد بیشترین اعتماد به اعضای خانواده با میانگین ۴/۴۶ از ۵ و پس از آن خویشاوندان نزدیک با میانگین ۳/۶۶ از ۵ می‌باشد. از این یافته‌ها می‌توان نتیجه

گرفت که شعاع اعتماد هر چه از خانواده دور می‌شویم کاهش می‌یابد. این نتایج تأیید کننده نظریه زتومکا است که محدودترین شعاع‌های اعتماد را مربوط به اعتماد میان اعضای خانواده می‌داند که دربردارنده بیشترین میزان محبت و نزدیکی است سپس مربوط به اعتماد به افرادی می‌شود که به لحاظ شخصی آن‌ها را می‌شناسیم، کسانی که ما آن‌ها را به نام می‌شناسیم و با آن‌ها تماس رودررو داریم به عنوان مثال می‌توان به دوستانمان، همسایگانمان، همکاران، شرکا و ... اعتماد در این موارد نیز نیازمند درجه قابل توجهی از صمیمیت و نزدیکی است (زتومکا، ۱۳۸۷: ۷۸). سطح بالای اعتماد به اعضای خانواده حاکی از ثبات و استحکام نسبتاً زیاد نهاد خانواده در ایران (نه لزوماً رابطه متناسب و متعادل میان زن و شوهر) و تداوم سنت‌های خانوادگی در آن است. بالا بودن اعتماد به اعضای خانواده، خویشاوندان نزدیک و دور از یک سو نشانگر تداوم نسبی خانواده به عنوان مرجع قابل وثوق و اتکا برای افراد و از سوی دیگر به معنی عدم رشد و جایگزینی نهادهای ثانویه در کنار خانواده به عنوان مرجع مورد پذیرش و باور جامعه می‌باشد. اعتماد پایین به افراد هم محله در مقایسه با افراد هم قوم و هم مذهب و همچنین نسبت به همشهریان یا هم ولایتی‌ها گویای آن است هنوز نگاه سنتی در جامعه حاکم می‌باشد.

نکته‌ای که باید در زمینه برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز آموزشی در شهرداری تهران مورد توجه قرار داد. در سال‌های گذشته مدیران شهری به کرات بر لزوم تقویت ارتباطات بین مردم با شهرداری تهران تأکید داشته‌اند و برنامه‌ریزی‌هایی برای آموزش حقوق و تکالیف شهروندی را در دستور کار قرار داده‌اند؛ بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت اگرچه فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعات امکانات جدیدی را در اختیار برنامه‌ریزان فرهنگی قرار می‌دهند اما بر اساس یافته‌های این تحقیق در جامعه ایران همچنان خانواده می‌تواند کارکردهای مؤثرتری در جلب اعتماد افراد ایفا کند. نتایج نشان می‌دهد اعتماد بنیادی ۵۹/۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد بوده که نسبت به سایر ابعاد اعتماد از وضعیت بهتری برخوردار است همچنین پاسخگویان مؤثر بودن خود را در بهبود وضع شهر و محل زندگی در حد کمتری ارزیابی نموده‌اند. این یافته‌ها نشان از آن دارد که شهروندان به خود نگاه

مثبت داشته اما قدرت تأثیر گذاری خود را در جامعه کم دانسته و این ناشی از اعتماد پایین شهروندان به دیگران دور و نهادها و سازمان‌ها می‌باشد.

میزان اعتماد نهادی که اعتماد به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی گسترده‌ای از قبیل نهادها و اصناف را در برمی‌گیرد، در سطح پایینی می‌باشد به گونه‌ای که ۶۷/۴ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که میزان اعتماد نهادیشان در سطح خیلی کم، کم و بینابین می‌باشد. در خصوص سه بعد اعتماد نهادی، اعتماد به نهادهای حکومتی نسبت به سایر ابعاد (اعتماد به بخش خصوصی و نهادهای غیر دولتی و یا وابسته به دولت) از وضعیت نامناسبی قرار دارد اما این تفاوت زیاد نمی‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد به دلایل تاریخی خاص، نهادها و مؤسسه‌های مدنی در ایران همانند کشورهای توسعه یافته سیر طبیعی تکامل را طی نکرده و متناسب با نیازهای جامعه و از دل آن نجوشیده‌اند. بنابراین دولت‌ها در چند دهه‌ی گذشته در راستای تسهیل حرکت جامعه به سوی توسعه اجتماعی و اقتصادی، غالباً اقدام به تشکیل مؤسسه‌های و نهادهای اجتماعی و مدنی وابسته به خود کرده‌اند. طبیعی است که به دلیل همان ذهنیت‌های تاریخی که مردم ما نسبت به قصد و نیت دولت‌ها از ایجاد چنین نهادهایی داشته‌اند تلقی مثبتی نسبت به این‌گونه اقدامات دولت وجود نداشته است. به عنوان مثال می‌توان به شرکت‌های تعاونی روستایی اشاره نمود که از دید روستانشینان، مؤسسه‌های دولتی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر خود دولت‌ها هم تمایلی به شکل‌گیری نهادهای مستقل که از دل جامعه مدنی بجوشد و اقتدار آن‌ها را به چالش بکشد نداشته‌اند.

در این تحقیق بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی ( $r=0/277$ )، شدت این رابطه در حد بالایی بوده و جهت این رابطه‌ی مستقیم است یعنی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در این پژوهش افزایش می‌یابد. با توجه به یافته‌ها این تحقیق نظریه پاتنام، در خصوص اینکه اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیش‌تر خواهد بود و نیز دیدگاه زتومکا مبنی بر اینکه اعتماد پیش شرطی برای همکاری، و محصول همکاری

موفقیت آمیز است (زتومکا، ۱۳۸۷: ۱۱۴). اعتماد فرصت برای تعاون و همکاری افزایش می‌یابد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به بیان دیگر در این تحقیق بین دو متغیر میزان اعتماد بین شخصی، بنیادی و نهادی به ترتیب با ضریب همبستگی ۰/۱۷۶، ۰/۱۹۹ و ۰/۲۴۹ با مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. شدت این رابطه در حد بالا بوده و جهت این رابطه مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش میزان اعتماد بین شخصی، بنیادی و نهادی پاسخگویان میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در این پژوهش افزایش می‌یابد.

۷/۶ درصد تغییرات در میزان مشارکت اجتماعی به متغیرهای مستقل اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی مربوط می‌شود. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره با وجود آنکه متغیر اعتماد بین شخصی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی همبستگی دارد اما بر روی متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر علی ندارند. در بین ابعاد اعتماد اجتماعی اعتماد نهادی با ۰/۲۰۴ بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد.

یافته‌های تبیینی نشان از آن دارد که ۱۹/۲ درصد تغییرات در میزان اعتماد نهادی به اعتماد بین شخصی و بنیادی مربوط بوده و اعتماد بین شخصی ۰/۲۶۵ و اعتماد بنیادی ۰/۲۸۲ بر اعتماد نهادی تأثیر مستقیم می‌گذارد. همچنین ۸/۲ درصد تغییرات در میزان اعتماد بنیادی به متغیر اعتماد بین شخصی مربوط می‌شود همچنین اعتماد بین شخصی ۰/۲۸۶ بر اعتماد بنیادی تأثیر مستقیم می‌گذارند.

بر اساس تئوری گیدنز اعتماد بنیادی بر روی اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی و همچنین اعتماد بین شخصی بر اعتماد نهادی تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر در نظریات گیدنز اعتماد بنیادی بیرونی‌ترین متغیر بوده که در دوران کودکی و تحت تأثیر اولین مراقبان شکل گرفته است و در قالب اعتماد بین شخصی گسترش یافته و در نهایت بر اعتماد نهادی تأثیر می‌گذارد در حالی که یافته‌های این تحقیق نشان از آن دارد که اعتماد بین شخصی بیرونی‌ترین متغیر بوده که بر اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی تأثیر می‌گذارد و همچنین مطابق با نظریه گیدنز اعتماد بنیادی بر اعتماد نهادی تأثیر گذار است. این نتایج بیانگر آن است که گیدنز در نظریه خود به عوامل فرهنگی و سیاسی جوامع مختلف پرداخته است.

## ارائه پیشنهادها

- ۱- برای جلب مشارکت مردم باید انگیزه لازم را در آنها برای شرکت در امور ایجاد کرد و به آنها در مورد نقشی که می‌توانند در ساختارها بازی کنند آگاهی بخشید. علاوه بر آن لازم است مکانیسم‌هایی برای تسهیل مشارکت و حفظ آن تدبیر نمود. نهادهای دولتی و حاکمیت سیاسی باید زمینه را برای رشد و گسترش نهادهای مدنی فراهم نمایند و به آنها به عنوان یک نهاد واسطه بین حاکمیت و مردم نگاه کند و نه یک تهدید برای اقتدار خویش.
- ۲- بازنگری در مجاری اجتماعی کردن اولیه یعنی خانواده، مدرسه و دوستان و خصوصاً کتاب‌های درسی، تا زمانی که به کودکان بی‌اعتمادی و محافظه‌کاری آموخته شده، اعتماد بنیادی که پایه و اساس سایر انواع اعتماد است در آنها شکل نخواهد گرفت.
- ۳- اعتماد پایین شهروندان به نهادها یکی از معضلات و چالش‌هایی بوده که کشورهای در حال توسعه و یا در حال گذار همواره با آن مواجه می‌باشند. ناکارآمدی نهادها عاملی مهم در کاهش اعتماد شهروندان به این نهادها را به دنبال خواهد داشت، هر چه شهروندان نهادها را کارآمد ارزیابی نمایند، نسبت به این نهادها اعتماد بیشتر پیدا می‌کنند و لازمه آن شفافیت و پاسخگویی بودن نهادها و ایجاد فضای گفتگو بین مسؤولان و شهروندان می‌باشد.
- ۴- در مواردی که تخلفاتی در درون سازمان‌ها و نهادها صورت گرفته و منجر به تنبیه متخلف گردیده است، در جرایم درج شود به طوری که شهروندان احساس کنند که به تخلف در درون سازمان‌ها و نهادها نیز بسیار جدی برخورد می‌شود. این شیوه به تدریج منجر به تغییر نگرش شهروندان نسبت به ساختار نهادها و سازمان‌ها خواهد شد.
- ۵- کمک دولت به نهادها و سازمان‌های غیر دولتی زیرا این نهادها بستر مناسبی برای افزایش همکاری متقابل شهروندان و ایجاد تعهد فردی در آنها می‌گردد و زمینه را برای رشد و گسترش اعتماد اجتماعی مهیا می‌سازد.
- ۶- شهروندان باید به این یقین برسند که مشارکت آنها نمادین و تزئینی نبوده بلکه تأثیر گذار می‌باشد و باید زمینه را برای مشارکت بیشتر شهروندان در قالب واگذاری امور به آنها فراهم ساخت.



۷- به منظور تقویت و رشد و گسترش مشارکت‌های شهروندان می‌توان از طریق حوزه‌های عمومی مانند: مراکز برپایی مناسک و مراسم مذهبی برای تشویق مشارکت‌های رسمی، استفاده نمود.

## منابع

### منابع فارسی

- آقال، یوکیش؛ اوین، ایل (۱۳۷۹). فقر و مشارکت در جامعه‌ی مدنی، ت: الف. یاد، تهران، انتشارات سروش.
- احمدوند، ش. (۱۳۷۴). ساختار اقتدار طلب حکومت‌های پادشاهی در ایران و عدم تشکیل فرهنگی سیاسی مشارکتی، مجله راهبرد شماره ۸ ازکیا، م. غفاری، غ. ر. (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷. اعتزازی، ش. (۱۳۸۰). جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امیری، م. (۱۳۷۴). «پایان تاریخ و بحران اعتماد بازنشاسی اندیشه‌های تازه فوکویاما»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، تهران.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ایران‌زاده، س. (۱۳۷۵). ابعاد مشارکت در نظام فرهنگی ایران، تعاون، شماره ۵۹، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایتکلپهارت، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ت: م. وتر، تهران، انتشارات کویر.
- باباریا، م. (۱۳۸۰). اعتماد در جوامع مدرن، ت: بن. الف. غراب، نمایه پژوهش، شماره ۱۸، سال پنجم.
- پاتام، ر. (۱۳۸۰). «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، ت: م. ت. دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
- پیروز، ب. (۱۳۷۱). «موانع توسعه در ایران، بررسی عوامل تاریخی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰ و ۹، ۱۳۷۱.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی اعتماد دموکراسی و توسعه، شیراز، تهران.
- دوریک، ا. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی، ت: ب. پرهام، چاپ اول کتاب سرای بابل.
- رهنما، م. (۱۳۷۷). مشارکت در تگاهی نو به مفاهیم توسعه، اثر و گفتاگت زاکس، ت: ف. فرهی و. بزرگی، نشر مرکز.
- زومکا، پ. (۱۳۸۴). اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی، ت: غ. ر. غفاری، تهران، چاپ دوم، شیراز.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، فصلنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳
- شومیکو، پاملا جی و دیگوران. (۱۳۸۷). نظریه سازی در علوم اجتماعی، ت: م. عبداللهی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ضحاکی، ر. (۱۳۷۵). رسانه‌های جمعی و جلب مشارکت اجتماعی در طرح‌های ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی علامه.
- عبداللهی، م. (۱۳۸۷). زنان در عرصه عمومی عوامل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- عظیمی؛ هاشمی، م. (۱۳۷۳). عام‌گرایی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- علوی‌تار، ع. ر. (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- غفاری، غ. ر. (۱۳۸۳). اعتماد اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غفاری، غ. ر. نیازی، م (۱۳۸۶). جامعه شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک.
- فوکویاما، ف. (۱۳۷۹). پایان نظم، ت: غ. ع. توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- فیروزآبادی، الف. (۱۳۸۴). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قدیمی، م. (۱۳۸۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه نتجان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.
- کاتوزیان، ه. (۱۳۷۴). «بررسی نقش دولت و مردم در ایجاد مشارکت اجتماعی (نظریه استبداد شرقی)»: درباره دموکراسی و سوسیالیسم ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۶ و ۵۵.
- کلاتری، ح. (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی تهران، انتشارات شریف.
- کلین، ج. (۱۳۷۷). بنیان‌های نظریه‌های اجتماعی، ت: م. صبوری، تهران، نشر نی.
- کمالی، الف. (۱۳۸۲). «مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاسی (با تأکید بر سازمان‌های تخصصی)، پایان نامه برای اخذ دکتری، استاد راهنما، آزاد ارمنی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۳-۱۳۸۲».
- کوزر، ل. (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ت: م. ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- کالوتری، هویین و دیگوران. (۱۳۷۵). مشارکت در توسعه، ت: ه. ضرابی و د. طباطبائی، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گیدنز، الف. (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیت، ت: م. ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- گیدنز، الف. (۱۳۸۸). تجدد و تخصص، ت: ن. موقیان، تهران، نشر نی.

مسائل اجتماعی ایران (۱۳۸۳). انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، انتشارات آگه.  
مک لگان، پاتریشیا، نل، ک. (۱۳۷۷). عصر مشارکت، ت: م. اسلامی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.  
نمازی، م. ب. (۱۳۸۳). مشارکت و تجهیز مردم در برنامه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، گزارش منتشره توسط وزارت کشور  
هوئی‌زن، اندریس اوست. (۱۳۷۷). «مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه‌ی نواحی شهری»، ت: ن. برک پور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۸ و ۴۹.

## منابع لاتین

- Fukuyama, Francis (1995). *Trust: The Social Virtues and Creation of Prosperity* (New York: Free Press)
- Johnson, L.D; Bachman, J.G; PO Malley (1993). *Monitoring The Future: Questionnaire Responses from The Nation's High School Seniors 1991*. Ann Arbor, MI: Institute for Social research.
- Judge, Robert (2003). "The difference that Gender makes" *Social Capital, Gender and Political Participation*, Eyewitness Robert. University of Manitoba.
- Luhmann, Niklas (1988). "Family, confidence, Trust: problems and alternatives" in: D.Gambetta (ed). *Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, Oxford: Basil Blackwell, pp.94-107
- Luhmann, Niklas (1979). *Trust and power: tow works by Nicolas Luhmann*, Chichester [etc.]: Wiley, pitman press.
- Miszalska, A (1996). *Reakcje społeczne na przemiany ustrojowe* "Social reactions to regime chang", Lodz: Lodz University Press.
- Rose, R. (1999). *getting Things Done in an Anti modern Society :Social capital Networks in Russia*. In Dasgupta & Serageldin (71-147)
- Thibaut, J. &, Walker, L. (1975) , *Procedural justice*, Hillsdale, JN: Erlbaum-
- Beil, Anders (2000) , "Factors Promoting cooperation in the laboratory in -common pool resurce dilemmas...", P36.